

تقارن زمانی ظهور این فناوری و بروز برخی چالش و نارسایی‌ها در گستره قلمرو مفهومی تأمین مالی در ادبیات متعارف اقتصادی، ضرورت طراحی، توسعه و استقرار ابزارهای نوین تأمین مالی بیش از پیش نمایان گشت. بر همین اساس محافل دانشگاهی، مؤسسات تحقیقاتی و نظریه‌پردازان حوزه مالی در صدد شناسایی و احصای قابلیت‌های فناوری زنجیره‌بلوکی با هدف طراحی مصداق نوینی از ابزارهای مالی برآمدند.

فرایند تأمین مالی با استفاده از ظرفیت رمزارزها تحولات اساسی را در سابقه تاریخی خود پشت سر گذاشته است و صنایع مختلفی نسبت به بومی‌سازی آن در قالب کسب و کار خویش مبادرت ورزیده‌اند که صنعت انرژی و به طور ویژه صنعت نفت و گاز نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. عدم تکافوی سرمایه‌گذاری داخلی که ناشی از عدم جذابیت این حوزه برای سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع به سبب هزینه‌های نسبتاً بالای تأمین مالی با استفاده از ابزارهای موجود می‌شود از یک سو و پویایی خارج از کنترل متغیرهای بین‌المللی از سوی دیگر، نشان از ضرورت نوآوری در ابزارهای تأمین مالی می‌باشد که با فناوری زنجیره‌بلوکی قابلیت تحقق دارد.

در همین راستا پژوهش حاضر تمرکز خود را بر تأمین مالی پروژه‌های بالادستی نفت و گاز از روش‌های مبتنی بر فناوری زنجیره‌بلوکی و از رهگذر رمزارز نفت‌پایه جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. بر همین اساس تحقیق پیش رو که از روش تحقیق کتابخانه‌ای بهره برده است، در بخش نخست به تبیین نقاط ضعف درونی و تهدیدهای بیرونی زیست‌بوم تأمین مالی صنعت نفت پرداخته و تبیین ابعاد فناوری زنجیره‌بلوکی و رمزارز را در دستور کار خود قرار داده است و سپس ظرفیت رمزارزها در موضوع تأمین مالی را با رویکرد تحلیل راهبردی مورد بررسی قرار داده است. در گام بعدی به تفصیل ابعاد مختلف پیرامون تأمین مالی از طریق رمزارز نفت‌پایه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و در گام آخر راه‌کار نهایی را ارائه نموده است. پیشنهادات نهایی این تحقیق در قالب پیاده‌سازی یک فرایند پنج مرحله‌ای مشتمل بر صدور گواهی اعتبار، تعامل میان شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار در قالب قرارداد هوشمند، صدور و انتشار رمزارز، بورس غیرمتمرکز انرژی